

قلعه مدرسه خیرآباد و حسینعلی خان زنگنه



مهدی سلیمانی آشتیانی ۱

چکیده

معرفی حسینعلی خان زنگنه از صاحب منصبان کرمانشاهی برخاسته از ایل زنگنه و اعمال خیر او به ویژه قلعه - مدرسه خیرآباد است. نویسنده نخست معرفی بی اجمالی از ایل زنگنه ارائه می دهد. سپس تبار حسینعلی خان و پدرش را بیان می نماید. آنگاه از موقوفات حسینعلی خان سخن می گوید. مناصب حکومتی و نیز رتبه علمی وی از جمله اینکه تفسیری با عنوان بدیع البیان لمعانی القرآن دارد، از دیگر بخش های مقاله است. پایان مقاله نیز معرفی اجمالی قلعه - مدرسه خیرآباد است که در جنوب شرقی بهبهان واقع شده است. این مدرسه زمانی هم پایگاه اخباری ها در جنوب ایران بوده است.

کلیدواژه

قلعه - مدرسه خیرآباد، حسینعلی خان زنگنه، ایل زنگنه، بدیع البیان لمعانی القرآن، اخباریه

مقدمه

حسینعلی خان زنگنه از آن افراد است. آگاهی ما از زندگی او و از شخصیت علمی و آثار و تألیفات وی بسیار خرد است، ولی آن چه در این کوتاه می آید جستاری در شناختِ تبار، جایگاه اجتماعی و علمی و همچنین خدمات او از راه وقف خواهد بود.

نگاهی به تاریخچه ایل زنگنه

ایل زنگنه یکی از اقوام ایرانی است که از دیرباز در استان کرمانشاهان و غرب ایران ساکن بوده‌اند. در اینکه زنگنه جزو طوایف کرد هستند یا لر، بین مورخان و محققان اختلافی به این شرح است:

یکم: معین الدین نطنزی، زنگنه را جزو قلمرو اتابکان لر محسوب کرده است.^۲

دوم: تذکره الملوک این ایل را در مجموعه‌ای مرکب از ایلات کرد و لر می‌شمارد.^۳

سوم: شرف‌خان بدلیسی اُمرای کرد ایران را به چهار شعبه تقسیم کرده که زنگنه یکی از آنهاست.^۴ برخی از معاصران نیز این نظر را پسندیده‌اند.^۵

در مورد وجه تسمیه این ایل هم آراء گوناگونی وجود دارد. برخی این اسم را برگرفته از نام مکانی دانسته‌اند که

یکم. مردانِ حقیقی علم، در میدان عمل نیز پیشتاز و استوار بوده‌اند و دفتر دانش را در کوران زندگی اجتماعی خود با کردار و رفتار خویش تفسیر و تقریر کرده‌اند. اگر بخواهیم زندگانی علما و دانشمندان اسلامی را به منظور ارائه فهرستی از «عالمان واقف» بکاویم، به نام بزرگان زیادی برمی‌خوریم که از خود موقوفات زیادی اعم از مدرسه، مسجد، کتابخانه و دیگر آثار خیر برجای نهاده‌اند. حسینعلی خان زنگنه از زمره این «عالمان واقف» است.

دوم. بیشتر کسانی که در امور اجتماعی و حکومتی دخالت داشته‌اند و احیاناً منشأ خدماتی نیز بوده‌اند، از فعالیت‌های علمی باز مانده‌اند و چندان که می‌خواستند یا در خور استعدادشان بوده است نتوانسته‌اند وارد مباحث علمی شده، اثرات و آثار سودمند و ماندگار برجای گذارند.

معدودی از این افراد صاحب‌منصب، با همت و سخت‌کوشی توانسته‌اند بین دو مقام علم و قدرت جمع کنند و در عین حالی که به خدمات اجتماعی یا حکومتی اشتغال داشته‌اند، در ساحت علم و دانش هم حضور یابند و آثار و تألیفاتی نیز از خود به یادگار بگذارند.

ایل زنگنه در آنجا می‌زیسته است^۶، و بعضی هم نام زنگنه را نقل از زنگه^۷، شخصیتی افسانه‌ای در حماسه‌های ملی ایران دانسته‌اند^۸.

مردوخ کردستانی، خاستگاه اصلی زنگنه را کردستان عراق و مناطق کرکوک و خانقین در اطراف کفری و ابراهیم خانمی و اراضی سوماک می‌داند^۹.

در دوره صفویه، افراد ایل زنگنه به منظور یاری پادشاهان صفوی از منطقه اصلی خود کوچ کردند و داخل قلمرو ایران ساکن شدند و مردانی از آنها در حکومت شاه اسماعیل اول (۹۰۷-۹۳۰ق) به مقامات بلندی هم رسیدند^{۱۰}. ایل زنگنه در رکاب شاه اسماعیل در جنگ‌های متعدد و به ویژه در چالدران به نبرد پرداخت و بزرگان ایل در زمان شاه طهماسب (۹۳۰-۹۸۴ق) و بعد از آن، در ارکان حکومت حضور داشتند^{۱۱، ۱۲}.

تبار حسینعلی خان

حسینعلی خان زنگنه فرزند شیخعلی خان و نواده عالی‌بالی بیک زنگنه است. در مورد پدرش سخن خواهیم گفت، اما آنچه درباره جد او می‌دانیم این است که در زمان شاه عباس اول، افراد ایل زنگنه در حکومت و سپاه

وی دارای موقعیتی بوده‌اند که یکی از آنها علی‌بالی بیک بوده است. او از سوی شاه عباس اول (۹۹۵-۱۰۳۷ق) نزد الله وردی خان^{۱۳} رفت تا دستور وی را مبنی بر فتح بغداد ابلاغ نماید^{۱۴}.

او همچنین در درگیری بین شاه عباس و ملوخان اردلان - حاکم کردستان - واسطه ایجاد صلح بین دو طرف بود و ملوخان تسلیم شد و خلعت گرفت^{۱۵}.

علی‌بالی بیک، مدتی در زمان شاه عباس اول امیر خراسان بود^{۱۶} و همچنین در ۱۰۲۸ ق از جلوداری به منصب امیر آخورباشی ارتقا پیدا کرد. او تا ۱۰۴۷ ق در این مقام بود و در همین سال مقام وی به پسرش شیخ علی زنگنه منتقل شد^{۱۷}.

شیخعلی خان زنگنه (پدر حسینعلی خان)

آن گونه که خاتون آبادی در وقایع السنین و الاعوام نوشته، شیخ علی خان در ۱۰۲۰ ق به دنیا آمده است^{۱۸}. او در ۱۰۴۷ ق به میر آخور باشی^{۱۹} حکومت صفوی و در نهم جمادی الاولی ۱۰۴۹ ق - پس از فوت برادرش شاهرخ سلطان - به امارت ایل زنگنه رسید^{۲۰}.

حدود سال ۱۰۶۴ به حکمرانی کرمانشاه منصوب شد و ظاهراً در سال

۱۰۸۰ ق به مقام صدر اعظمی دربار صفوی در حکومت شاه صفی دوم یا شاه سلیمان (۱۰۷۷ - ۱۱۰۶ ق) نائل آمد.^{۲۱}

او در ۱۰۸۲ ق شاید به خاطر مخالفت با میگزساری شاه سلیمان و یا مقاومت در برابر امر شاه به میگزساری، عزل شد و سال بعد دوباره به خدمت بازگشت و سال‌های طولانی - که از بلندمدت‌ترین دوره‌های وزارت در عهد صفوی است - وزیر اعظم و اعتماد الدوله^{۲۲} بود.

منابع تاریخی و شرح حال، معمولاً او را به تقیدات دینی و پایبندی به دستورات شرع و همچنین عقل و درایت، آرامش، ملایمت و وقار و جدیت در رسیدگی به امور رعیت و دوری از تجمل و عیش و نوش ستوده‌اند که این همه باعث ایجاد اصلاحات اساسی در ساختار اداری، اقتصادی، نظامی و سیاسی کشور گردید. استاد باستانی پاریزی درباره او نوشته است:

کوشش داشت همیشه شخصیت و استقلال خود را در برابر شاه حفظ کند. او شب‌ها با لباس مبدل در محلات گردش می‌کرد و از اوضاع مملکت خبردار می‌گردید و به فقرا و ضعفا و طلاب علوم دینی و ایتام، بذل و بخشش

می‌کرد. حمامات نیکو و رباطات در شهرها و عرض راه اعتبار مقدسه بنا کرده است. هرگز با وجود اصرار شاه لب به مشروب نمی‌زد و می‌گفت: شاه بر جان من حق دارد، اما بر دین من حق ندارد.^{۳۲}

اعتماد کامل شاه سلیمان، حمایت کامل ایل زنگنه و همچنین پشتیبانی مادر شاه و حرم‌خانه دربار از شیخعلی خان، در کنار درایت و ریزیابی او، باعث شد دشمنی و خصومت افراد از کار بیفتد و تا پایان عمر، قدرت و اقتدار خود را حفظ کرد. ظاهراً او در ۱۱۰۰ ق درگذشت.^{۲۴}

موقوفات شیخعلی خان زنگنه

عالی‌بالی بیک (پدر شیخعلی خان) از مالکان بزرگ در کرمانشاهان بود و روستاهای متعددی در غرب ایران جزء املاک او به شمار می‌رفت. اینکه این دارایی‌ها املاک شخصی او بوده یا به صورت تیول در عصر صفوی به وی واگذار شده بود چندان مشخص نیست.^{۲۵}

در هر صورت این اموال گسترده بعدها در زمان فرزندان او منشأ موقوفات عام و خاص زیادی شد.

عمارت کاروان‌سرای واقع در بیستون است که شیخعلی خان زنگنه در مسیر زوار عتبات احداث کرده است.

وقف‌نامه دیگری از شیخعلی خان که مربوط به استان همدان است و به تأیید علمای وقت رسیده، در اداره کل اوقاف و امور خیریه استان همدان نگهداری می‌شود.

برخی از موقوفات شیخعلی خان در همدان عبارت‌اند از:

۱. مدرسه و مسجد شیخعلی خان اعتماد الدوله در تویسرکان؛
۲. مدرسه شیخعلی خان زنگنه - معروف به مدرسه بزرگ - در ابتدای خیابان دکتر شریعتی همدان؛
۳. عرصه و اعیان حدود ۱۵۰ باب مغازه در بازار همدان؛
۴. اراضی مزروعی و صنعتی و مسکونی در بهار همدان و...^{۲۶}.

مناصب حکومتی حسینعلی خان

زنگنه

با قدرت گرفتن ایل زنگنه و مهاجرت آنها به نواحی مرکزی و غرب ایران، کسان بسیاری از آنها دایرمدار امور مملکتی شدند و عناوین زنگنه، زنگنه کرکوک و کرکوک در میان رجال دربار

از جمله اقدامات شخص شیخعلی خان زنگنه نیز در دوره صدرات، ایجاد مجموعه ارزشمندی از موقوفات و احداث مدارس علمیه و مراکز دینی است.

دو مکتوب از وقف‌نامه شیخعلی خان موجود است. نسخه خطی این وقف‌نامه در اداره کل اوقاف و امور خیریه استان کرمانشاه نگهداری می‌شود. وقف‌نامه زنگنه، مسجّل به مهر علامه محمدباقر مجلسی (م ۱۱۱۰ق)، ملا میرزای شروانی (م ۱۰۹۸ق) و آقا جمال خوانساری (م ۱۱۲۵ق) است.

مشابه همین متن، در سنگی سراب بیستون (در کنار نقش و فرمان گودرز پسر کیو اشکانی) در سینه سنگی کوه حجاری شده است.

در این وقف‌نامه چهار رقبه را موضوع وقف شمرده است، به این شرح:

۱. شش دانگ مزرعه بن عدی (بند عبدی)؛

۲. شش دانگ مزرعه چم بطان؛

۳. شش دانگ قریه قراولی؛

۴. شش دانگ قریه فراش.

دو ثلث از عواید این موقوفه، مخصوص سادات فاطمی اثنی عشری و یک ثلث باقی‌مانده برای عمران و آبادی

صفوی و نادری از یادگاران این دوران است.

حسینعلی خان یا حسینقلی خان زنگنه یکی از چهره‌های ایل زنگنه است که در مناصب حکومتی و نظامی دربار صفوی و افشاری حضور دارد.

وقتی در ۱۰۷۶ ق ازبکان از مرزهای ایران وارد شدند و در خراسان به تاخت و تاز پرداختند، شاه عباس دوم (۱۰۵۲ - ۱۰۷۷ ق)، شیخعلی خان زنگنه - حکمران کرمانشاهان و رئیس وقت ایل زنگنه - را مأمور کرد تا نسبت به دفع و سرکوبی متجاوزان اقدام نماید. او در همین زمان حسینعلی خان را به جای پدر مأمور قائم مقامی حکومت کرمانشاهان نمود و از آنجا که کار شیخعلی خان در خراسان به طول انجامید، شاه عباس در فرمانی رسماً حسینعلی خان را به حکومت کرمانشاهان منصوب نمود. این دوره از ۱۰۷۶ تا ۱۰۸۶ ق به مدت ده سال طول کشید.

وی در ۱۰۸۶ ق - که سال انتصاب پدرش به مقام صدرات عظمای دربار صفوی است - جهت تنظیم امور و ایجاد آرامش به حکومت کهگیلویه منصوب شد.^{۲۷}

همچنین در ۱۱۴۲ ق که فرماندهی کل

نیروهای ایران به عهده نادرقلی افشار بود و اوضاع مرزهای غرب کشور با توجه به ضعف حاکمیت صفوی به وخامت گراییده بود، به حکومت درو فرمان^{۲۸} که کرمانشاه را نیز شامل می شد برگزیده شد تا جهت مقابله با عثمانی‌ها از عشایر کرد غرب کشور استفاده نماید.

حسینقلی خان با نیروهای خود و دیگر سپاهیان ایرانی تحت امر نادرقلی افشار، در دو فرسنگی شهر کرمانشاه با سپاه عثمانی به - سرکردگی احمد پاشا - درگیر شد که منتهی به شکست عثمانی‌ها و عقب نشینی آنها تا خانقین گردید.

بعد از این قضایا نادر به کرمانشاه آمد و دستور داد تا حسینعلی خان قلعه قدیم کرمانشاه را ویران ساخته و در کنار رودخانه قره سو قلعه جدیدی بنا کند.^{۲۹} این قلعه بزرگ و مستحکم با مدیریت حسینقلی خان و با همه امکانات بنا شد که تا سال‌های طولانی، بخش زیادی از حوادث تاریخی منطقه در این قلعه اتفاق افتاده است.

در ساحت دانش

شیخ حسینعلی خان ضمن این که دارای مناصب حکومتی بود و بیشتر عمر خود را صرف امور مملکتی و نظامی

نمود، از علم و دانش نیز بی‌نصیب نبود. میزان بهره علمی او را می‌توان از اثر تفسیری وی به نام بدیع‌البیان به وضوح یافت. از این کتاب به دست می‌آید که مؤلف در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی غور کرده و در بعضی از آن علوم صاحب رأی و مسلک است. او به جنبه‌های ادبی، تجویدی، روایی، کلامی، فلسفی، عرفانی و حتی بعضی از علوم غریبه و نجوم می‌پردازد و در مواردی به کلمات دیگران نقدهای عالمانه می‌زند. در مقدمه تفسیرش - بعد از تقاضا از علما در تذکر لغزش‌های احتمالی - نوشته است:

هر گاه جمعی که تمام اوقاف خود را صرف فنی از فنون کمالات می‌نمایند سالم از غلط و سهو و نسیان نباشند، معلوم می‌شود که سهو و نسیان جمع دیگر - که متحمل امور متکثره متنافیه صوری و معنوی و دینی و دنیوی‌اند - تا چه مرتبه خواهد بود!

تعلیق بر شرح ابن ابی‌الحدید بر خطبه شقشقیه حضرت علی علیه السلام، اثر دیگر حسینعلی خان به زبان عربی است. مؤلف در این رساله، ایرادهای خود را

به ابن ابی‌الحدید بیان و تقریر می‌کند. این کتاب را زین العابدین عاملی در سال ۱۱۰۱ ق تحریر کرده است.^{۳۰} سه نسخه از این رساله در کتابخانه ملی نگهداری می‌شود.^{۳۱}

از این مطالب فهمیده می‌شود منصب‌های دولتی وی را از اشتغال به مسایل علمی باز نداشته و از هر فرصتی برای طرح مسایل علمی - به ویژه مسایل غامض کلامی - استفاده کرده و از آراء علمای آن زمان سود می‌برده است.

آقا بزرگ تهرانی در طبقات اعلام الشیعه می‌نویسد:

و للمترجم له تألیفات علی شرح الخطبة الشقشقیة لابن ابی‌الحدید، ردّ فیها علی الشارح فی اعتذاره لعمر بن الخطاب. و قد دون هذه التعليقات زین الدین العاملی فی سنة ۱۰۱۱، و توجد ثلاث نسخ من هذه التعليقات فی المكتبة الملیة بطهران تحت رقم ۴۵۰۲ فی مجلد واحد، اثنتان منها بخط زین العابدین المدون لها، و ثالثة بخط میرباقر الهمدانی.^{۳۲}

خان زنگنه در جایگاه یک مفسر
نگاهی به بدیع‌البیان می‌رساند واقف

گرامی ما با مباحث تفسیری آشنایی خوبی داشته است.

این کتاب، تفسیری است به زبان فارسی و مبسوط که به صورت مزجی به تفسیر سوره فاتحه الکتاب می‌پردازد. دارای مقدمه‌ای است که مؤلف بعد از بیان مطالبی درباره اهمیت قرآن، به نام خود و نام اثر و روش تفسیری و کتبی که از آنها بهره‌مند شده اشاره کرده است. وی درباره نام اثر خود و وجه تسمیه آن چنین می‌نویسد:

و چون بیان معانی آیات شریفه - که مفسرین در تفاسیر خود ایراد نموده‌اند - به اسلوبی بدیع و پیرایه‌پذیر تحریر گردیده بود، لهذا این کتاب را بعد از تزئین به زینت اتمام، مسمی به «بدیع البیان لمعانی القرآن» نمود.

روش تفسیری او - آن‌چنان که در مقدمه، به آن تصریح کرده - آن است که ابتدا آنچه از کتاب‌های تفسیر درباره مطلب مورد نظر وجود دارد با تصریح به نام مصدر آورده و جمع‌بندی می‌کند؛ سپس در مبحثی جداگانه به بررسی روایاتی که در آن زمینه وارد شده می‌پردازد. در انتهای هر قسمت اگر مطلب جدیدی به نظر مؤلف رسیده که

در سایر تفاسیر به آن برخورد نکرده و یا توضیح و نقدی نسبت به مطالب مطرح شده دارد، با «مترجم گوید» شروع، و با «انتهی» به پایان می‌برد.

وی در پایان هر قسمت تحت عنوان «خلاصه المعنی»، به صورت مختصر و با توجه به مجموعه اقوال مفسران و روایات متأثره، ترجمه‌ای تفسیرگونه از آیات مورد نظر ارائه می‌کند.

البته مؤلف در این اثر، روایات و مطالب زیادی از کتاب‌های دیگر با تصریح به نام مصدر و بدون واسطه نقل می‌کند که در مقدمه به آن مصادر اشاره‌ای ندارد؛ مانند: کافی، تفسیر قمی، خصال، علل الشرایع، توحید صدوق، عیون أخبار الرضا، جامع الأخبار، قصص الأنبياء راوندی و بعضی کتب دیگر^{۳۳}.

توجه به مدارس علمیه و دانشمندان

حسینقلی خان در طول حکومت و ریاست خود، در درو فرامان کرمانشاه، اسلام آباد غرب، ماهیدشت، قزوین و اصفهان موقوفات بسیاری را به جا گذاشت که در متن طومار وقف‌نامه او که گفته شده چندین متر بوده آمده است^{۳۴}.

وی همچنین به مسائل مربوط به

فرهنگ، تحصیل طلاب و ایجاد امکانات رفاهی و فراهم کردن توقف‌گاه در راه‌ها برای بیتوته زائران عتبات و حجاج، همت تمام صرف نمود که وقف‌نامه‌های متعدد او گواه این امر است.

خان زنگنه در دوران حکمرانی خود توجه زیادی به حوزه‌های علمیه و علما داشته و به ساخت مدارس دینی و همچنین وقف منابع درآمدی برای آنها اقدام کرده است.

تکریم حسینعلی خان از سوی عالمان

توجه و اهتمام وی به علم و دانش و احترام او به علما و دانشمندان باعث ارتباط بین ایشان و برخی از رجال علم و دین او بوده است. به عنوان نمونه آقا جمال الدین خوانساری (م ۱۱۲۵ ق) در جواب نامه حسینعلی خان، رساله‌ای در مواعظ، اخلاق و برخی مباحث کلامی و اعتقادی مانند جبر و اختیار و قضا و قدر تألیف کرده است^{۳۵}، البته مقام و موقعیت علمی آقا جمال خوانساری در میان عالمان شیعه و همچنین سیطره علمی آن بزرگوار در جامعه علمی اصفهان در عصر صفوی بر اهل فضل پوشیده نیست^{۳۶}.

همچنین محمد هادی بن محمد صالح مازندرانی (م ح ۱۱۲۰ ق) کتاب انوار البلاغه و شرح الشافیه خود را به اسم حسینعلی خان تألیف کرد^{۳۷}. محمد هادی مازندرانی معروف به «هادی مترجم» از فقها و ادبای روزگار خود بود که آثار زیادی از خود برجای گذاشت و از آن جمله آنهاست: شرح قواعد الأحكام، الحدود و الديات، شرح علی فروع الکافی، حاشیه انوار التنزیل و ...^{۳۸}

علاء الدین ملک علی، از دیگر فضلاهی هم‌روزگار حسینعلی خان است که شرح الفصول خود را به درخواست وی نوشته است^{۳۹}.

قلعه - مدرسه خیرآباد یادگار حسینعلی خان زنگنه

در جنوب شرق بهبهان در ۲۵ کیلومتری مسیر راه بهبهان به گچساران و در کنار رودخانه خیر آباد، روستایی به همین نام قرار دارد. در نزدیکی این روستا، بنای تاریخی «قلعه - مدرسه» خودنمایی می‌کند. این بنای کهن از آثار حسینعلی خان زنگنه است.

این مدرسه در ۱۰۸۹ ق (با ماده تاریخ «منزل علم و دانش و ادب است»)

تأسیس شده است^{۴۰}. حسینعلی خان روستای خیرآباد را نیز وقف این مدرسه کرده است^{۴۱}.

در کتاب فارسنامه ناصری تألیف حاج میرزا حسن حسینی ضیایی آمده است:

ایلات بهبهان و کهگیلویه در زمان شاه سلیمان صفوی (۶۸۰۱ ق)

به حسینعلی خان زنگنه فرزند شیخعلی خان زنگنه کرمانشاهی

متوفی به سال (۱۰۱۱ ق) وزیر دانشمند سلاطین صفوی عنایت

شد. در سال (۹۸۰۱ هـ.ق) حسنعلی خان زنگنه با آن که

مردی صحرگرد و ایلاتی بود، از علوم رسمیه زمان خصوصاً

علم فقه آشنایی کامل داشت، برای ترویج علم و کمال در

کنار رودخانه خیرآباد بهبهان مدرسه‌ای در کمال وسعت یعنی

۳۴۹۹ متر مربع بنا کرد که به طور کامل از آجر پخته و گچ ساخته

شده و دارای طاق‌های کوتاه و بلند، مسجد، حجره برای معلمان،

آشپزخانه و حیاط داخلی بود^{۲۴}.

در قسمتی دیگر از این کتاب نوشته شده:

برای تأمین هزینه نگهداری



فهرست آثار ملی کشور ثبت شده است. ذکر این نکته نیز لازم است که برخی تأسیس یا ساخت «قلعه - مدرسه خیر آباد بهبهان» را مربوط به قبل از صفویه نسبت داده‌اند که البته ممکن است این احتمال، اشتباه باشد و یا اینکه در صورت صحت، شاید بتوان گفت بنای اولیه مربوط به قبل بوده است که توسط حسینعلی خان تجدید و نوسازی شده و توسعه یافته است.

قلعه - مدرسه و جریان اخباری‌گری

اخباری‌گری از مهمترین و تأثیرگذارترین جریان‌های فکری در قرون یازدهم و دوازدهم هجری است. این قصه سبب اختلافات و مباحث زیادی در تاریخ فقه و حدیث شیعه شده است. عده زیادی از علما به ویژه اخباری‌ها فرقه‌هایی را بین یک عالم اخباری و دانشمندان مقابل ایشان - یعنی عالم اصولی - مطرح کرده‌اند.^{۴۴}

از مهم‌ترین مراکز تفکر اخباری‌گری در میان جوامع شیعی منطقه بحرین بوده است. در پی حوادث تلخ و خون‌باری که در اواخر سده یازدهم هجری قمری در این منطقه اتفاق افتاد و منجر به تسلط

مدرسه، درآمد قریه خیرآباد را وقف آن نمود. همچنین برای تأمین نیازهای ضروری روزمره طلاب و دانشجویان این مدرسه دینی، در کنار آن به ضرورت بازارچه‌ای مشتمل بر چندین دکان جهت عرضه کالا و حمامی در خور دانشجویان بنا نمود.^{۳۴}

عمارت مدرسه با پلان چهار ایوان با مصالح آجری ساخته شده است و دارای آرایه‌های معماری خاص کاروان‌سراها مانند حجره، بارانداز، ایوان، حیاط مرکزی و... است. با توجه به اهمیت بنا و دارا بودن ویژگی خاص معماری، سازمان «میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری» استان خوزستان از ابتدای سال ۱۳۸۳ اقدام به مرمت نموده است. اهم عملیات مرمت عبارت است از:

پی‌یابی و آواربرداری قسمت‌های فرو ریخته بنا، مرمت طاق‌های فرسوده، دوخت و دوز ترک‌ها، عایق و شیب‌بندی بام، کف‌سازی آجری حجره‌های داخلی و حیاط، محوطه‌سازی اطراف و نورپردازی بنا.

با این اقدامات، قلعه - مدرسه خیرآباد، پس از صدها سال از تولد خود دوباره نفسی تازه کرده و با شماره ۳۴۸۰ در



و تاخت و تاز خوارج شد، تعدادی از علمای اخباری مقیم بحرین به ایران و سپس بهبهان هجرت کردند.

این محدثان و دانشمندان در بهبهان، موجب ترویج تفکر و سلیقه اخبارگرایی در منطقه و سپس جنوب ایران و حتی نقاط مرکزی کشور شدند.

از مراکز و مدارس مشهور اخباری‌ها در بهبهان «قلعه - مدرسه» بوده است.

این مدرسه در سال‌های بعد مورد توجه زیادی واقع شد و در جریان‌های اخباری‌گری اوایل قرن دوازدهم، در منطقه بهبهان و اطراف آن نامی بلند پیدا کرد.

شیخ عبدالله سماهیچی بحرانی (م ۱۱۳۵ ق) - اخباری متعصب و مشهور - و شاگرد او سید عبدالله غریفی بلادی بحرانی (م ۱۱۶۵ ق) از معروف‌ترین اخباری‌هایی هستند که در این مدرسه فعالیت داشته و به نشر و دفاع از دیدگاه‌های اخباری‌گری پرداختند. می‌توان حدس زد نفوذ و گسترش اخباری‌گری در بهبهان و مناطقی از خوزستان به جهت فعالیت این حوزه بوده است.^{۴۵}

عالم دیگری که گزارش سکونت و تدریس وی در مدرسه خیرآباد در دست



است، آقا محمدرضا فرزند مولی محمد صالح طبرسی مازندرانی می باشد. در ذیل اجازه سید عبدالله بن نور الدین بن نعمت الله جزایری (م ۱۱۷۳ ق) آمده است: «کان فاضلاً متکلماً رفیع المنزلة مدرّساً فی مدرسة خیر آباد، من أعمال بهبهان. قدم إلینا وهو متوجه إلى العراق للزیادة، ثم اجتمعتُ به فی بهبهان، وحضرتُ درسه بشرح اللمعة»^{۴۶}. در سال های بعد، حضور آقا وحید بهبهانی (م ۱۲۰۶ ق) در بهبهان و مبارزه جانانه آن مرد بزرگ با این جریان و خط فکر، موجب کم رنگ شدن آن شد^{۴۷}. این مدرسه امروز به عنوان یک اثر تاریخی و کهن مورد استفاده و بازدید علاقه مندان میراث فرهنگی ایران عزیز است.

منابع و مأخذ

- آغا بزرگ تهرانی، محمد محسن، الذریعه إلى تصانیف الشیعه، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۰۳ ق.
- طبقات أعلام الشیعه، قم: اسماعیلیان، بی تا.
- آل سید غفور، سید محسن، جایگاه عالم سیاسی در دو مکتب اخباری و اصولی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶ ش.
- ابن خواجگی اصفهانی، محمد معصوم، خلاصه السیر، تهران: علمی، ۱۳۸۰.
- امام شوشتری، محمد علی، تاریخ جغرافیایی خوزستان، تهران: امیر کبیر، ۱۳۳۱.
- امین، سید محسن، أعیان الشیعه، بیروت: دارالتعارف، ۱۴۰۳ ق.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، سیاست و اقتصاد عصر صفوی، تهران: صفی علیشاه، ۱۳۷۸.
- بدلیسی، شرف الدین، شرفنامه، پترزبورغ: دار الطباع، ۱۲۷۶ ق.
- توحیدی، کلیم الله، حرکت تاریخی کرد به خراسان، مشهد: مؤلف، ۱۳۵۹.
- جزایری، عبدالله بن نورالدین، الإجازة الکبیره، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۶۷.
- حسینی استرآبادی، حسن، از شیخ صفی تا شاه صفی، به اهتمام: احسان اشراقی، تهران: علمی، ۱۳۶۶.
- خاتون آبادی، سید عبدالحسین، وقایع السنین و الأعوام، به تصحیح: محمد باقر بهبودی، تهران: کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۵۲.
- خراسانی، محمد هاشم، منتخب التواریخ، تهران: اتحادیه کتاب فروشان، ۱۳۴۹ ق.
- دبیر سیاقی، محمد باقر (به کوشش)، تذکره الملوک، تهران: زوار، ۱۳۳۲.
- دوانی، علی، مفاخر اسلام، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.
- دهخدا، علی اکبر و دیگران، لغت نامه، تهران: بنیاد لغت نامه، ۱۳۷۲.
- سازمان جغرافیای کشور، فرهنگ جغرافیایی ایران، تهران: انتشارات سازمان جغرافیای کشور، ۱۳۵۵.
- سلطانی، محمد علی، ایلات و طوایف کرمانشاهان، تهران: مؤلف، ۱۳۷۲.
- عالم زاده، هادی، «آخور سالار»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی. تهران: بنیاد دائرة المعارف، ۱۳۷۵ ش.
- فسائی، حسن، فارسنامه ناصری، به تصحیح: منصور رستگار فسائی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۷.
- قاسمی، نعمت الله، «موقوفات شیخ علی خان زنگنه»، وقف میراث جاودان، ش ۵۵، پاییز ۱۳۸۵.
- کریمی، علیرضا، «پژوهشی درباره شیخ علی خان زنگنه»، حکومت اسلامی، ش اول، بهار ۱۳۷۶.

- کشاورز، اردشیر، رجال و مشاهیر کرمانشاهان، کرمانشاه: طاق بستان، ۱۳۸۱.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
- مردوخ کردستانی، محمد، تاریخ کرد و کردستان، سنندج: غریقی، ۱۳۵۱.
- مشیری بردسیری، تذکره صفویه کرمان، به تصحیح: محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: نشر علم، ۱۳۶۹.
- منجم، ملا جلال، تاریخ عباسی یا روزنامه ملا جلال، به کوشش: سیف الله وحیدنیا، تهران: وحید، ۱۳۶۶.
- منزوی، علینقی و حبیب الله عظیمی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ایران، تهران: کتابخانه ملی، ۱۳۷۲.
- منزوی، علینقی، فهرست منزوی (نسخه‌های خطی فارسی)، تهران: مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، ۱۳۴۸.
- موسوی اصفهانی، سید محمدباقر، روضات الجنات، تهران: مطبعة الحیدریه، ۱۳۹۰ ق.
- نوایی، عبدالحسین و عباسقلی غفاری فرد، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفوی، تهران: سمت، ۱۳۸۱.
- نوری، نوری، الفیض القدسی، تحقیق: جعفر نبوی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
- هیتس، والتر، شاه اسماعیل دوم، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱. س

پی‌نوشت

برگرفته از مقاله آقای علی رضا کریمی با عنوان «پژوهشی درباره شیخ علی خان زنگنه» است که در مجله حکومت اسلامی، ش اول، بهار ۱۳۷۶ منتشر شده است. قابل ذکر است که آقای کریمی پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس را به راهنمایی مرحوم استاد عبدالحسین نوایی به همین موضوع اختصاص داده‌اند.

۱۳. او سردار و فرماندار نامی عصر شاه عباس یکم و غلام گرجی بود که به اسلام گروید. در دستگاه صفوی رشد کرد و به سرداری و بعدها حکومت فارس رسید. سی و سه پل اصفهان، گنبد الله وردی خان در آستان اقدس رضوی و مدرسه خان شیراز از یادگارهای اوست. در ۱۰۲۲ ق در گذشت. ر.ک: تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفوی.

۱۴. تاریخ عباسی یا روزنامه ملا جلال، ص ۲۴۵.

۱۵. ایلات و طوایف کرمانشاهان، ج ۲، ص ۶۵۳.

۱۶. حرکت تاریخی کرد به خراسان، ج ۲، ص ۶.

۱۷. از شیخ صفی تاشاه صفی، ص ۲۵۷.

۱۸. وقایع السنین والأعوام، ص ۵۳۰.

۱۹. در تشکیلات حکومتی ایران از قبل از اسلام و بعد از آن، به معنای رئیس پرستاران ستور و به ویژه اسب و

۱. کارشناس ارشد علوم حدیث، پژوهشگر و نویسنده.

۲. منتخب التواریخ (به نقل از: ایلات و طوایف کرمانشاهان، ج ۲، ص ۶۴۹).

۳. تذکره الملوک، ص ۲۵.

۴. شرفنامه، ص ۱۴.

۵. حرکت تاریخی کرد به خراسان، ج ۲، ص ۱۰۱.

۶. منتخب التواریخ (به نقل از: ایلات و طوایف کرمانشاهان، ج ۲، ص ۶۴۹).

۷. او پسر شاوران، از پهلوانان افسانه‌ای ایران است. در داستان سیاوش، هنگامی که رستم از جنگ با تورانیان به ایران بازگشت، زنگه به همراه بهرام از مشاوران و دوستان رستم است.

به دست دگر زنگه شاوران

بدو انجمن گشته کند آوران

یا جای دیگر می‌نویسد:

چو گودرز با زنگه شاوران

چو رهام و گرگین جنگ آوران

ر.ک: لغتنامه دهخدا.

۸. ایلات و طوایف کرمانشاهان، ج ۲، ص ۲۴۸.

۹. تاریخ کرد، ج ۱، ص ۹۴.

۱۰. ر.ک: شرفخانه، ص ۴۳؛ حرکت تاریخی

کرد به خراسان، ج ۲، ص ۱۰۳؛ ایلات و

طوایف کرمانشاهان، ج ۲، ص ۶۴۱.

۱۱. حرکت تاریخی کرد به خراسان، ج ۲،

ص ۶؛ شاه اسماعیل دوم، ص ۱۳۷.

۱۲. بیشتر مطالب ما درباره ایل زنگه

- دو رودخانه «قره سو» و «گاما سیاب» در کرمانشاه واقع بوده و در محلی به هم می‌پیوندند که به آن محل درو دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان کرمانشاهان است. ر.ک: فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۵؛ لغت‌نامه دهخدا.
۲۹. بقایای این قلعه اکنون کنار شهرک الهیه کرمانشاه موجود است.
۳۰. طبقات اعلام الشیعه، ج ۶، ص ۲۱۱.
۳۱. فهرست کتابخانه ملی ایران، ج ۱۱، ص ۱۵۸، ش ۲۰۴۴، رساله‌های ششم تا هشتم مجموعه.
۳۲. طبقات اعلام الشیعه، ج ۶، ص ۲۱۱.
۳۳. فهرست منزوی، ج ۱، ص ۸.
۳۴. رجال و مشاهیر کرمانشاهان، ص ۲۱۸ - ۲۲۲.
۳۵. الذریعه، ج ۵، ص ۱۹۳؛ أعیان الشیعه، ج ۶، ص ۱۱۷.
۳۶. برای شرح حال او ر.ک: أعیان الشیعه، ج ۴، ص ۲۰۶؛ أمل الآمل، ج ۲، ص ۵۷، ش ۱۴۷؛ روضات الجنات، ج ۲، ص ۲۱۴، ش ۱۷۷.
۳۷. الذریعه، ج ۲، ص ۴۲۰ و ج ۱۳، ص ۳۱۴؛ أعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۸۲.
۳۸. برای شرح حال او ر.ک: روضات الجنات، ج ۲، ص ۸۸، ش ۱۴۲؛ أعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۸۲، ریحانه الأدب، ج ۵، ص ۱۴۸؛ طبقات اعلام الشیعه، ج ۶، ص ۸۰۵.
۳۹. الذریعه، ج ۱۳، ص ۲۸۵.

- متصدی خدمات مربوط به اصطبل‌های حکومتی بوده و در عصر صفوی یکی از چهارده منصب درجه اول دولتی بوده است. ر.ک: «آخور سالار» هادی عالم زاده، دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
۲۰. خلاصه السیر، خواجه اصفهانی، ص ۲۸۶؛ از شیخ صفی تاشاه صفی، ص ۲۵۹.
۲۱. وقایع السنین و الأعوام، ص ۵۳۱، تذکره صفویه کرمان، ص ۳۵۵. البته در سال انتصاب او به وزارت اختلاف است. ر.ک: «پژوهشی درباره شیخ علی خان زنگنه»، ص ۱۵۲ - ۱۵۳.
۲۲. وزیر اعظم عالی‌ترین مقام دولتی در حکومت شاه عباس صفوی به بعد بود. ر.ک: «اعتماد الدوله»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
۲۳. سیاست و اقتصاد عصر صفوی، ص ۳۴۷.
۲۴. تذکره صفویه کرمان، ص ۵۶۲.
۲۵. «پژوهشی درباره شیخ علی خان زنگنه»، ص ۱۴۹ - ۱۵۰.
۲۶. ر.ک: «اقدامات عمرانی و موقوفات شیخ علی خان زنگنه اعتماد الدوله»، ضمن کتاب رجال و مشاهیر کرمانشاهان؛ «موقوفات شیخعلی خان زنگنه»، نعمت الله قاسمی، وقف میراث جاویدان، ش ۵۵، پاییز ۱۳۸۵.
۲۷. فارسنامه ناصری، ج ۱، ص ۴۸۹.
۲۸. این کلمه مخفف «درود» و «فرمان» است؛ چون فرمان و قرای تابعه آن بین

۴۰. از این بنا که غیر از مدرسه دارای حمام و بازار و مسجد هم بوده و در ابتدا ۹۹۴۳ متر مربع وسعت داشته است، اکنون تنها مدرسه آن باقی مانده است.
۴۱. تاریخ جغرافیایی خوزستان، ص ۱۸۷.
۴۲. فارسنامه ناصری، ج ۱، ص ۴۸۹.
۴۳. همان، ص ۴۹۰.
۴۴. ر.ک: «اخباریان»، احسان قیصری، دایرة المعارف بزرگ اسلامی؛ روضات الجنات، ج ۴، ص ۲۵۰، ش ۳۹۰.
۴۵. ر.ک: وحید بهبهانی، دوانی، ص ۶۶ - ۶۷؛ جایگاه عالم سیاسی در دو مکتب اخباری و اصولی، ص ۶۶.
۴۶. بحار الأنوار، ج ۱۰۲، ص ۱۲۶، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۴۸۹، رقم ۱۴۳، الفيض القدسی، ص ۲۳۵؛ الإجازة الكبيرة، ص ۱۸۳، رقم ۵۹؛ أعيان الشيعة، ج ۹، ص ۲۸۳؛ طبقات أعلام الشيعة، ج ۶، ص ۲۶۸.
۴۷. «اخباریان»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی؛ «وحید بهبهانی»، علی دوانی، ضمن مفاخر اسلام، ج ۹، ص ۱۴۹.